

# زنان و جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک

دوشنبه ۲۶ مهر ۱۳۸۹ - ۱۸ اکتبر ۲۰۱۰

ناهد جعفرپور

جنبش زنان ایران امروز با داشتن تجارب خونین و دردناکی از سه دهه آپارتاید جنسی، بردگی جنسی و سرکوب مستمر، ثابت نموده است که جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت ضد زن، بعنوان حکومت آپارتاید جنسی بزرگترین مانع زنان برای دسترسی به حتی ابتدائی ترین حقوق شان می باشد. از این روی خواست جامعه ای لائیک که در آن قوانین شریعت و کلا مذهب از قوانین حکومت زدوده شوند و مذهب امری خصوصی افراد جامعه باشد، خواستی است که در طی مبارزات سی ساله درون جنبش زنان هر روز رنگ و محتوای برجسته تری بخود گرفته است.

بر همه آشکار است که در هیچ دوره‌ای به اندازه دوره کنونی، جنبش اجتماعی ایران و بخصوص جنبش زنان نسبت به دخالت مذهب در تمام ارکان حکومت و اجتماع و تاثیر مستقیم آن بر زندگی روزمره زنان حساس نبوده است و هیچ گاه هم به اندازه امروز به این آشکاری ارکان جامعه به دست روحانیت اداره نمی شده است و هیچگاه چون امروز حقوق جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش زنان به این شدت مورد حمله قرار نگرفته است.

از این نظر، مبارزه برای جدائی دین از دولت و در نتیجه مبارزه برای برقراری جمهوری دمکرات و لائیک به عنوان کلیدی ترین بخش مبارزه برای اجرای حقوق بشر و دموکراسی در ایران امروز نقش بسیار حیاتی را بخود گرفته است و زمان آن رسیده است تا در سطوح ملی و بین‌المللی افکار عمومی از نیروهای دمکرات و لائیک پشتیبانی نمایند و مسئله‌ی جدایی دین از دولت را که مهمترین خواست بخصوص جنبش زنان ایران است را مورد توجه و بحث و بررسی قرار داده و در نظر داشته باشند که تا زمانی که قوانین شرع از قانون اساسی ایران زدوده نشوند برداشتن قدم‌های اولیه برای رهائی زنان ممکن نخواهد بود. بدیهی است که این خواست هم در جامعه ایران پایگاه اجتماعی دارد.

این روشن است که امروز در ایران بسیاری هم سخن از جدائی دین از دولت می زنند اما همچنین به روحانیت حق دخالت در امور سیاسی را

می دهند و اعتقاد دارند که آنان می توانند در حکومت شرکت نمایند. در واقع این طرفداران جدائی دین از دولت لائیسسته را هم سطح سکولاریزیم نموده و با یک تعریف ناقص از جدائی دین از دولت مرز شرع و لائیسسته را مبهم می گذارند و بدین صورت چون گذشته راه را برای دخالت روحانیت در بقای نظم موجود در آینده هموار می سازند. این طیف برابری جنسیتی زنان را در همان چارچوب گذشته با تمامی معضلاتش مسکوت می گذارند و مطالبات زنان را در همان سطح اصلاح طلبان حکومتی مورد بررسی قرار می دهند.

از سوی دیگر طرفداران جدائی دین از دولت و برقراری جمهوری ای دمکرات و لائیک در ایران هم به این امر که هرگونه تغییر و تحولی در ایران شاه کلیدش در بستر مبارزات زنان قرار دارد و جنبش زنان مهمترین پایه ایجاد جامعه ای دمکرات و لائیک است، کم بها داده اند.

روحیه مردسالاری (مسئله زنان را در مرحله آخرین قرار دادن) در اپوزیسیون جمهوری خواه خارج از کشور باعث شده است تا شرکت فعال زنان در جنبش جمهوری خواهی و بخصوص جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک با مانع روبرو گردد. بیلان منفی عملی کار این جنبش در پرداختن به معضل زنان خود گواه این ادعاست. از بین رفتن روحیه مردسالاری کار بلند مدت فرهنگی لازم دارد و بدیهی است که هر جنبشی باید به این کار فرهنگی دامن بزند. چگونگی سازماندهی و برخورد به معضلات زنان و سازماندهی پروژه های مختص زنان راه را برای شرکت وسیع زنان بخصوص در خارج از کشور هموار می سازد. ارزیابی و بررسی کناره گیری همراهان زن از گردهمائی اول تا به امروز و دخالت مستقیم زنان در تصمیم گیری های آینده و تلاش برای رابطه با شخصیت ها و گروه ها و سازمان های دمکرات و لائیک زنان در خارج و داخل از کشور از وظایف آتی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک است. پرداختن به معضل زنان تنها در 8 مارس آنهم توسط خود زنان عدم مسئولیت کل جنبش جمهوری خواهان لائیک و دمکرات نسبت به جنبش زنان را نشان می دهد. پرداختن به معضلات جنبش زنان احتیاج به پروژه های مستمر و فعال و پیگر از سوی شورای هماهنگی آتی و تمامی همراهان گذشته از جنسیتشان دارد. برگزاری کارزار های عملی متفاوت در رابطه با سنگسار و اعدام زنان و... و تاکید بر این مسئله که رسیدن به یک جامعه دمکرات و لائیک اگر که از مسیر پرداختن به معضلات جنبش زنان پیش نرود، به شکست می انجامد، از اهمیت فراوان برخوردار است.